

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی
۲۰ اپریل ۲۰۱۴

آداب جنازه ۱۰.

در سوگ و ماتم چه می گویند؟

در این مناسبت صحبت ها در شکیبائی و تسلیت خلاصه می شود. فرد تسلیت دهنده به شخص سوگوار می گوید: (البقاء لله) یعنی: «تنها خداست که می ماند.» یا «إنا لله وإنا إليه راجعون» «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم.» یا (الله ما أعطى الله ما أخذ، وكل شيء عنده بمقدار، فلتصبر ولتحتسب) یعنی: «آنچه را خداوند گرفت از آن خودش بود و آنچه داده است مال خود اوست. مسلماً هر چیزی نزد او دارای تقدیری است، لذا باید صبر کرد و امید به ثواب داشت.»

فرد مصیبت دیده آمین گفته و به فرد تعزیه کننده می گوید: (آجرك الله) یعنی: «خداوند برای این عملت پاداشت دهد.»

عدم دادن تعزیه:

قبل از همه باید گفت که تعزیه دادن و تسلیت گفتن به فامیل متوفی و مصیبت دیدگان، سنت است نه واجب، یعنی اگر کسی دوست یا نزدیکان خود را که به مصیبتی گرفتار شده تعزیه کند، بر طبق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل کرده است، و اگر هم تعزیه نکند فقط نفس خویش را از اجر و ثواب محروم کرده و چیز دیگری بر وی نیست. تعزیه دادن مسلمان موجب روحیه گرفتن و قوی شدن در برابر مصیبتش خواهد شد، و علاوه بر آن به جای آوردن مراسم تعزیت و تسلیت، موجب تقویت رابطه اخوت و برادری بین مسلمین می شود، و این یکی از مهم ترین مقاصد شریعت است.

اگر کسی بداند که فلان شخص از نزدیکانش به مصیبتی گرفتار شده اما تعزیه دادن و تسلیت گوئی را عمداً ترک می کند، در واقع نوعی جفا در حق آنها مرتکب شده، حال آن که احساس همدلی و تسلی دادن و کمک کردن به انسان مصیبت دیده از حکمت است، که اینکار موجب می شود هرچه سریعتر مصیبت را فراموش کند. لذا شایسته مسلمان است که هرگاه از مصیبت یکی از بردارانش مطلع شد، در تعزیه کردن او نباید کوتاهی کند، ولو اگر با یک تماس تلفونی باشد، ولی اگر مدت زمان درازی از مصیبت گذشته باشد به گونه ای که مصیبتش را فراموش کرده باشد، دیگر نیازی به تعزیه نیست، تا درد آن برایش تازه نشود.

علامه ابن عثیمین می گوید :

« بعضی از اهل علم گفتند که نشستن انسان (مصیبت دیده) در خانه اش به قصد استقبال از تعزیه کنندگان مکروه است و حتی بعضی گفتند حرام است و چنین عملی جایز نیست، و برای تعزیه (مصیبت دیدگان) هرگاه آنها را در مسجد یا کوچه و سرگ و یا قبرستان یا هر مکانی دیگری ملاقات نمود تعزیه و تسلیت گوید، البته به شرطی که هنوز مصیبت را فراموش نکرده باشد، اگر فراموش کرده باشد و اثر آن نمانده باشد در اینحالت فایده ای بر تکرار تعزیه نیست؛ زیرا هرگونه تعزیه ای در این حال موجب یادآوری مصیبتش خواهد شد، حال آن که هدف از تعزیه دادن قوی کردن انسان مصیبت دیده بر صبر است، پس هرگاه مصیبت را فراموش کرد و زمان طولانی بر آن گذشت، دیگر تعزیه نکند» « نور علی الدرب».

انسان اگر در مسافرت هم باشد، می تواند با یک تماس تلفونی یا ارسال پیامی به فرد مصیبت دیده، تسلیت گوید.

استقامت و پایداری در مصایب:

پروردگار با عظمت ما می فرماید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

صبر:

صبر یکی از اخلاقیات حمیده و صفت انبیاء و اسلحه متقیان و نیکوکاران است به نحوی که هیچ پیغمبر و هیچ رهبر وزعیم و در نهایت امر هیچ انسان خیر خواه بدون صبر و شکیبائی کامیاب و موفق نگردیده است. در قرآن عظیم الشأن هفتاد و چهار بار از صابرين و نعمت صبر یاد آوری به عمل آمده است. در روایات اسلامی آمده که «الصبر نصف الايمان» صبر نصف ایمان است. مثل معروف عربی است که می گوید: «الصبر مطية النصر» صبر وسیله کامیابی و ظفر است.

مصیبت یعنی چه؟

مصیبت عبارت از حادثه ای است که روح انسان به اثر آن افسرده گردیده، و دل انسان را می سوزاند. این مصیبت ها گاهی به اثر مرگ دوستان و عزیزان، گاهی هم به اثر از دست دادن ثروت و یاهم مبتلا شدن انسان به فقر، تنگدستی گرسنگی و پریشانی، و گاهی هم به اثر از دست دادن مقام و منزلت و یا هم رفتن به سوی سیاه چال ها، مذلت ها و بدبختی ها و گاهی هم مبتلا شدن انسان به امراض مزمن و خطرناک و در نهایت از دست دادن صحت و سلامتی و گاهی هم مبتلا شدن انسان به اضطرابات روانی ترس و خوف از مستقبل و آینده تارک و غیره .. به وجود می آید.

استقامت در برابر مصایب یعنی چه :

علماء بر این عقیده اند که ایستادگی و استقامت در برابر مصایب دارای دو مرحله می باشد: یکی این که انسان همه این مصیبت ها را با تحمل و شکیبائی، و حتی با لب خندان و عدم خم ابرو تحمل کند. و مانند کوه در برابر این همه مصایب بایستد و از خالق خویش نیرو و توانمندی مبارزه و مقامت بیشتری را استدعا نماید. و با تعمق بیشتر در مفهوم این آیت مبارکه که می فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بپردازد.

و با تمام احساس در ك نماید که انسان بنده الله است در هر آن چه که خالق آن رضاء ببیند، جز نیکی سود دیگری ندارد. بنده باید همیشه تسلیم حق او تعالی باشد.

نتیجه مصیبت:

اگر مصیبت در اثر ظلمی باشد که از جانب ظالم و ستمگر بر انسان روا داشته شده است ، مطمئن باشد که روزی آمدنی است که خداوند متعال ، انتقام را از او خواهد گرفت. و اگر این مصیبت از جانب خدای متعال باشد یقین داشته باشد که تحمل او به نفع او خواهد بود هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی از بهره آن مستفید خواهد گردید.

فواید مادی صبر و تحمل اینست که:

روح انسان بر اثر این استقامت نیرومندی عظیمی یافته که با نیرومندی روح ، انسان توانمندی دستیابی به مقامات عالیه را خواهد یافت و زمانی که به آن مقام دست یافت، به جز از خالق کسی دیگری توانمندی آن را ندارد که این مقام را از نزدش تصاحب نماید.

انسان در اثر پایداری و استقامت، راه مبارزه با مشاغل و فشارها را آموخته و در چنین مبارزه ای آبدیده می گردد. در طول تاریخ بسیاری از انسانها بودند که به مقامات بزرگی رسیدند ولی با بسیار سادگی آن را از دست هم دادند. همینطور است اگر انسان در زندگی با سختی ها روبه رو نشده باشد و در مقابله با ناملایمات بزرگ نشده باشد. در حیاتش حوادثی به وقوع خواهد پیوست که بسیاری از مناصب و دست آورد های خویش را به آسانی از دست خواهد داد.

واقعاً چقدر زیبا است که : « بی رنج گنج میسر نمی شود » و « مزد صاحب کسانی می شود که کار کند » « مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد. » زحمت کشید و در برابر مصایب و دشواری ها مقاومت و پایداری از خود نشان داد. خداوند متعال نعمت های خویش را به کسانی ارزانی می فرماید که در مصایب صبر و استقامت داشته باشند.

حضرت یوسف:

اگرچه داستان زندگی حضرت یوسف نظری کوتاه بیندازیم در خواهیم یافت که یوسف لحظات سخت و دشواری را در چاه آنهم به اثر حسادات برادران خود بدون هیچ گونه خطاء تحمل کرد. حضرت یوسف خرید و فروش خویش را با زر در بازار مصر تحمل کرد ، سالها زندانی شدن را تحمل کرد ، همه مشکلات ، بی خانگی ، دوری از پدر و مادر ، وطن و فامیل ، و هم تهمت ها را تحمل کرد با در نظر داشت همه این مصایب او با اراده محکم صبر ، در نهایت توانست زمامدار و شخص قدرتمند و صاحب اختیار در مصر گردد و باز هم در خدمت برادران خود ، در خدمت پدر و فامیل خویش و باز هم با تدبیر عالمانه و مدیرانه در خدمت مردم مصر قرار گیرد .

حضرت یعقوب:

همچنان حضرت یعقوب سالها در جدائی و فراق فرزند خود سوخت و گداخت ولی استقامت کرد به اثر همین صبر و استقامت بود که خداوند پاک چمش را به جمال فرزندش دوباره روشن ساخت .

حضرت ایوب:

در روایت اسلامی می نویسند که حضرت ایوب در فقر و مسکنت و تنگدستی و از دست دادن مال و اولاد صبر را

پیشه خود قرار داد ، طوری که صبر ایوب از جمله چنان با عظمت ترین صبری بود که صبرش زبانزد خاص و عام گردید.

و هر آن کسی که با مشکل و یا مصیبت مبتلا می گردید با ذکر صبر ایوب به مقابله و مبارزه آن می پرداخت. مؤرخین نوشته اند :

هنگامیکه ایوب به مصیبتی گرفتار می شد، می گفت : « پروردگارا تنها تو هستی که (مال و اولاد و نعمتها را) پس می گیری و تنها تو (آنها را) می بخشی. داستان صبر ایوب را قرآن عظیم الشان در سوره (الانبیاء آیت متبرکه ۸۳ - ۸۴) با زیبایی خاصی چنین بیان داشته است :

« هنگامی که حضرت ایوب علیه السلام پروردگار خود را به فریاد خواند و عاجزانه گفت : پروردگارا ! مریضی به من روی آورده است و تو مهر بانترین مهربانانی . « خالق لایزال دعای او را می پذیرد مریضی وی را بر طرف می سازد اولاد و اموال و منال دو چندان بدو اعطاء می نماید . ».

نتیجه معنوی صبر:

نتیجه معنوی صبر در مصایب آن است که خالق لایزال بهترین پاداش ها و نیکویی ها را به انسان عنایت می فرماید :

خداوند پاک در قرآن پاک چنین ارشاد فرموده است : « ما شما را به مقدری از مصایب می آزمائیم ، سپس به کسانی که در برابر این مصایب صبر و پایداری کنند مژده می دهیم که بهشت برین و جنات عدن الهی در انتظار آن ها است. زیر آن ها کسانی بودند که رضای حق را بر رضای خود مقدم دانستند.

شکایت:

برخی از انسانها بدین باور و عقیده اند که شکایت در مصایب اگر برای تشفی قلب و آرامی روان باشد ، جواز دارد و آن را به اصطلاح بهترین وسیله به شمار می آورند . در جواب همچو نظریات باید گفت که ذکر و شکایت از مصایب نه تنها، سوزش دل را تقلیل نمی بخشد ، بلکه تجارب نشان داده که همین شکایت ها در تلخی زندگی می افزاید . ناگفته نباید گذاشت اگر سلسله شکایت هر روز تکرار گردد ، در نهایت این عمل به عادت انسان مبدل خواهد شد، و در هر مصیبتی ولو که مصیبت کوچک هم باشد انسان لب به شکایت خواهد گشود، که در نهایت امر نیرومندی ، پایداری و مقاومت وجودش در برابر حوادث و روزگار زندگی تضعیف خواهد گردید ، و انسان به جسم ضعیف و ناتوانی مبدل خواهد شد که هر باد نازکی از حوادث روزگار زندگی او را خواهد لرزانید و در برابر حوادث به شکست مواجه خواهد گردید و مرگ تدریجی کم کم گریبان او را خواهد گرفت و در نهایت او را به مرگ حقیقی خواهد کشانید.

اگر هدف از شکایت کردن آن باشد که دیگران به غم شکایت کننده شریک گردند ، این شریکی چه سودی به حال شکایت کننده خواهد رسانید.

در زندگی بسیاری از مصایب است که کمک کردنی نیستند و شنونده به جز آن که از شنیدن آن به تنگ آید واز مجالست و مصاحبت بگریزد ، سود دیگری برای انسان به بار نخواهد آورد . شکایت را باید نزد الله نمود که چاره ساز ، بی چارگان است.

جزع در مصایب عاقبتی شومی داشته، ولی استقامت و پایداری در برابر مصایب سرانجام کامیابی و پیروزی را نصیب انسان می گرداند.

ما باید به این باور و اعتقاد باشیم که همه چیز های این جهان پایان یافتنی است . خواه لذاذ باشد و یا شدايد . به جز ذات حق تعالی.

ماباید بر این امر معتقد باشیم که پس از پایان هر مصیبت ، سود و بهره را کسی می برد که استقامت و پایداری در برابر آن به عمل آورده باشد.

خداوند ما را از مصایب نجات ده ، ونیرو و توانمندی ما را در برابر آن بیفزا امین یا رب العالمین.

پرهیز از اسراف در به جاء آوردن مراسم تشییع جنازه:

مسلمان از هرگونه بدعتی در این رابطه دوری می نماید، بدعت هائی مانند : برپانمودن مجالس ومحافل مجلل ، محافل شب جمعه ، چهل و یا مراسم ومحل سالگرد و یا از این قبیل مجالس از جمله بدعت ها در دین مقدس اسلام می باشد.

فاتحه گیری:

ارشاد رسول مقبول است کسی که تعزیت (تسلی) مصیب زده را کند برای او آنگونه ثواب می باشد که برای مصیب زده می باشد . (جامع ترمذی ، معارف الحديث)

اکثریت مطلق علماء وفقها بدین باور وعقیده اند که فاتحه گیری برای میت فقط برای مدت سه روز می باشد . به غیر از زن متوفی که مدت عده آن چهار ماه و ده روز است و می تواند تا این مدت سوگوار باشد ولی بعد از این مدت زن نیز نباید سوگوار باشد.

فرصت سه روزه :

طوری که که قبلاً یاد آور شدیم : اگر برای انسان گرفتاری و مشکلاتی پیش آید که نتواند در مراسم تعزیت شخص متوفی در اولین ساعت سهم بگیرد ، کوشش به عمل آرد تا در ظرف سه روز مراسم تعزیت وتسلیت را انجام دهد ، ودر صورت ممکن بهتر است شخصاً به نزد فرد مصیبت دیده رفته و تسلیت خویش را ابراز نماید ، در صورت عدم امکانات می تواند توسط تلگرام ، تیلیفون و یا سایر وسایل ممکنه انترنیتی وغیره در تعزیت وتسلیت برای بازماندان متوفی سهم گیرد .

دعای دسته جمعی بر میت بعد از دفن :

در این هیچ جای شک نیست که دعا کردن برای میت بعد از دفن آن مشروع است، به دلیل حدیث عثمان بن عفان رضی الله عنه که گفت : «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا فَرَغَ مِنْ دَفْنِ الْمَيِّتِ وَقَفَ عَلَيْهِ فَقَالَ : اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُّوا لَهُ بِالتَّائِبَاتِ فَإِنَّهُ الْآنَ يُسْأَلُ» أبوداود (۳۲۲۱) و صحیح است.

یعنی : «رسول الله صلی الله علیه وسلم، هرگاه از دفن میت فارغ می شد در کنار قبرش می ایستاد و می فرمود : «برای برادران طلب آمرزش کنید و برای او از خداوند تقاضای استقامت نمائید، چرا که اکنون مورد سوال قرار می گیرد».

پس برای هر مسلمانی که در تشییع جنازه حضور دارد، مستحب است برای میت دعا کند.

و اما اگر دعای بعد از دفن به صورت دسته جمعی صورت گیرد ، مثلاً یک نفر دعا بگوید و بقیه گوش سپارند و در انتهای هر دعا آمین بگویند؛ اگرچه بعضی از اهل علم چنین کاری را اگر گهگاهی انجام شود و به عادت دائم تبدیل

نشود، جایز دانسته اند، اما اگر به یک سنت تبدیل شود، به گونه ای که هرگاه جنازه ای را تشییع کردند یا قبری را زیارت نمودند با این روش دعا کنند و یا همه با هم با یک صدا دعا کنند، در آنصورت چنین کاری بدعت خواهد شد. از شیخ علامه ابن باز سؤال شد: بعضی از مردم بعد از دفن میت در کنار قبر می ایستند و برای او دعا می کنند، آیا این جایز است؟ و آیا دعای مشروعی هست که بعد از دفن خوانده شود؟ و آیا می تواند به صورت دسته جمعی باشد، مثلاً شخصی دعا بگوید و بقیه آمین گویند؟ یا باید هرکس به تنهایی دعا کند؟

جواب فرمودند:

«سنت ثابت شده از رسول صلی الله علیه وسلم دلالت دارد که دعا کردن برای میت بعد از دفن مشروع است، چرا که «رسول الله صلی الله علیه وسلم، هرگاه از دفن میت فارغ می شد در کنار قبرش می ایستاد و می فرمود: برای برادران طلب آمرزش کنید و برای او از خداوند تقاضای استقامت نمائید، چرا که اکنون مورد سؤال قرار می گیرد»، و ایرادی ندارد اگر یک نفر دعا کند و شنوندگان آمین گویند، و یا هرکس به تنهایی برای میت دعا کند، والله ولی التوفیق» «فتاوی الشیخ ابن باز» (۱۳/ ۲۰۴).

برپا داشتن مجالس ترحیم و تعزیه:

تدویر مجالس ترحیم و تعزیه به خصوص مجالس امروزی که در کشور ما افغانستان برپا می گردد، بدعتی نو پیدا است که در دین اختراع گردیده است.

در حدیث جریر بن عبدالله بجلی رضی الله عنه آمده است که: «كُنَّا نَعُدُّ الْاجْتِمَاعَ إِلَى أَهْلِ الْمَيِّتِ وَصَنِيعَةَ الطَّعَامِ بَعْدَ دَفْنِهِ مِنَ النَّيَاحَةِ» مسند أحمد (۶۸۶۶). (ما اجتماع کردن برای خانواده میت و درست کردن غذا برای عزاداران را بعد از دفن میت جزو نوحه به حساب می آوریم).

در این حدیث به دو مورد مهم اشاره دارد که مسلمانان باید از آن پرهیز کنند:

- ۱- اجتماع کردن در هر مکانی چه مسجد و چه منازل جهت عزا.
 - ۲- درست کردن غذا برای عزاداران و پذیرائی از آنها.
- حدیث اشاره دارد به این که اجتماع کردن برای عزا و درست کردن غذا برای عزاداران نوعی از نوحه سرائی است و نوحه حرام است.

امام نووی رحمه الله در «المجموع» (۳۰۶/۵) می گویند: «اما نشستن در مکانی برای تعزیه، یعنی نشستن در آن مکان چنان که خانواده میت در منزلی جمع می شوند تا مردم برای تسلیت نزد آنها بیایند؛ امام شافعی و دسته ای دیگر از علمای شافعی بر کراهیت آن تأکید دارند، و در کراهیت این عمل برای زنان و مردان فرقی وجود ندارد، و گفته اند که این عمل بدعت است».

و در کتاب دائرة المعارف فقهی آمده:

«فقهاء نشستن برای تعزیه در مسجد را مکروه دانستند، و شافعی و حنابلّه نشستن برای تعزیه را مکروه می دانند؛ مثلاً خانواده متوفی در مکانی جمع شوند تا مردم به جهت تعزیه نزد آنها بیایند، زیرا این عمل نوپیدا و بدعت است، و حزن و اندوه را تازه می کند.» «الموسوعة الفقهية» (۱۸۹/۱۲).

شیخ ابن عثیمین در این باره می گوید:

«اجتماع کردن جهت تعزیه در منزل یکی از افراد مصیبت دیده، بدعت است و اگر علاوه بر این اجتماع برای عزاداران غذا نیز تهیه شود جزو نوحه به حساب می آید، در حالی که بسیاری از اهل علم نوحه را جزو گناهان کبیره حساب کرده اند» «مجموع الفتاوی» شیخ ابن عثیمین صفحه ۳۷۱ سؤال ۳۲۸.

و باز در جای دیگری گفتند: «به نسبت خانواده متوفی؛ اجتماع در خانه و استقبال از کسانی که به قصد تعزیه آمده اند برای آنها مشروع نیست، زیرا بعضی از سلف آن را جزو نوحه به شمار آورده اند، بلکه درب خانه را ببندد، و هرگاه مردم (خانواده متوفی) را در کوچه و خیابان و مسجد ملاقات کردند به آنها تسلیت گویند. پس در اینجا دو امر قابل ذکر است:

اول:

رفتن به نزد خانواده متوفی، این مشروع نیست، مگر آن که گفته شود که چون از بستگان نزدیک است اگر نرود خطر قطع صلّه رحم در کار باشد.

دوم:

نشستن (در مکانی) جهت استقبال از کسانی که به قصد تعزیه می آیند، این کار اصلی (در دین) ندارد، بلکه بعضی از سلف آن را نوعی نوحه به شمار آوردند. «مجموع الفتاوی» (۳۴۳/۱۷). و باز گفتند: «تعزیه داخل مسجد نامشروع است، چرا که مساجد برای تعزیه بنا نشده اند، بلکه برای نماز و قرائت قرآن و ذکر و یا خدا و امثال اینها بنا شده اند و هرکس بخواهد برای تعزیه در داخل مسجد چوکی بچیند، باید وی را منع کرد، زیرا موجب هممه و بی نظمی در آنجا خواهد شد...». «مجموع الفتاوی» (۳۵۴/۱۷).

و اما روایتی که ابوداود از عایشه رضی الله عنها آورده که گفت: «لَمَّا قُتِلَ زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ وَجَعَفَرٌ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَسْجِدِ يُعْرِفُ فِي وَجْهِهِ الْحُزْنَ» أبو داود (۳۱۲۲).

یعنی: «وقتی زید بن حارثه و جعفر (بن ابی طالب) و عبدالله بن رواحه کشته شدند، رسول خدا صلی الله علیه وسلم در مسجد نشست و در چهره او حزن و ناراحتی پیدا بود».

نشستن پیامبر صلی الله علیه وسلم برای آن نبود که مردم برای تعزیه و عرض تسلیت خدمت ایشان بیایند، علامه عبد المحسن العباد در شرح حدیث ابوداود می گوید:

«در این حدیث دلیلی مبنی بر نشستن و استقبال از عزاداران وجود ندارد، پیامبر صلوات الله وسلامه وبرکاته علیه در مسجد نشست چون از (خبر وفات آن سه تن) متأثر و ناراحت شدند، و چه بسا به این خاطر نشستند چون در نشستن برای انسان نوعی راحتی وجود دارد، چرا که نشستن از ایستادن برای جسم انسان بهتر است».

غذا دادن برای میت:

در حدیثی که از امام احمد رحمه الله با سند حسن روایت شده آمده است که: جایز نیست صاحب عزا (عزاداران و سوگواران) برای مردم و کسانی که برای تسلیت به نزد آنان می آیند غذا و خوراک تهیه و آماده کنند. در مورد صحابی بزرگوار جریر بن عبدالله البجلی می فرماید:

«ما در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم جمع شدن برای عزاداری و تهیه و آماده کردن غذا را بعد از دفن میت از انواع نیاحت (نوحه خوانی، گریه و زاری و شیون به روش جاهلیت) و سوگواری ناجایز دانسته و بر می شمردیم

اما برای صاحبان عزا مانعی وجود ندارد که برای خودشان و میهمانهایشان غذا تهیه کنند، البته بهتر آن است که خویشاوندان و همسایگان برای صاحبان عزا غذا پخته یا تهیه کنند.

زیرا زمانی که خبر شهادت جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه- در سرزمین شام (مجموعه کشورهای سوریه، اردن، لبنان و فلسطین امروزی را شام می گفتند) به رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید، ایشان به خانواده خویش دستور

دادند تا برای خانواده جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه، غذا تهیه کنند و سپس فرمودند: (امروز) بر آنان امری (مصیبتی) گذشته است که آنان را به خودشان مشغول ساخته و نگرانیشان کرده است. «اصنعوا لآل جعفر طعاماً فإنه قد أتاهم أمر یسألهم». (أحمد، أبوداود، الترمذی، ابن ماجه و دیگران). همچنین مانعی وجود ندارد که صاحبان عزا از غذائی که برایشان تهیه شده همسایگان و یا دیگران را دعوت کنند.

اربعین ویا روز چهل برای مرده:

محققین می نویسند که تجلیل و برگزاری از روز چهل بالای میت، اساس، بنیاد و پایه ای در دین اسلام ندارد، بلکه این عادات و از رسوم و رواجهای فراعنه در بین مسلمانان نفوذ نموده است و به مرور زمان دامن جامعه اسلامی را نیز فراگرفته است.

اربعین و تدویر روز چهل برای مرده، بدعت بوده و در اسلام پایه و اساس شرعی ندارد. بزرگداشت میت و مرثیه سرائی بر او به طرق مرسوم امروزی و اجتماع برای آن و غلو در ستودن میت به دلیل حدیث عبدالله بن ابی اوفی که احمد و ابن ماجه (مسند أحمد (۱۸۳۵۱)، و سنن ابن ماجه باب ما جاء فی الجنائز (۱۵۸۱) (آن را روایت نموده و حاکم نیز آن را صحیح دانسته که گفته: «نهی رسول الله عن المراثی»). (پیامبر صلی الله علیه وسلم از مرثیه ما را نهی نموده است) جایز نیست، و چون در ذکر اوصاف میت غالباً همراه امت با فخر و تجدید غصه و به هیجان رساندن اندوه اما صرف تعریف از هنگام ذکر او، و یا هنگام عبور جنازه و ذکر اعمال نیک وی همچون رثای برخی از یاران پیامبر ص هنگام شهادت یاران أحد جائز است.

از انس بن مالک نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم و یاران از جنازه ای عبور کردند او را به خیر و نیکی ستودند، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «وجبت»، سپس به جنازه دیگری عبور کردند، فرمود: «وجبت»، عمر گفت:

چه چیزی واجب گشت؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «این که بر او ستایش نیک نمودی جنت برای او واجب گشت، و این جنازه ای را که بر آن تعریف شر نمودی آتش بر او واجب می گردد، شما در زمین شاهدان خداوند می باشید» (مسلم در کتاب الجنائز (۱۵۷۸).

دار الافتاء مصر وحکم گرفتن روز چهلم:

شیخ امام حسنین محمد مخلوف طی فتوای شمار (۳۷۷) خویش که ثبت دارالافتاء مصر نیز می باشد چنین حکم نموده است:

گرفتن روز چهلم در شریعت نیست و از سنت آنحضرت صلی الله علیه و سنت صحابه نمی باشد و حتی تابعین روز چهلم را نگرفته اند و این عادت در قدیم در بین مسلمانان رواج نداشت. چهل یک عادت جدید و یک بدعتی می باشد که شریعت آن را منع نموده است.

مردم فکر کرده اند که گرفتن چهلم از دین است و ایشان در خطأ می باشند. در برگزاری چهلم پول در غیر راه صحیح مصرف می شود.

ممکن است میت از مردم و از خداوند قرضدار باشد و ممکن است خانواده میت به پول محتاج باشند. و همچنان گرفتن روز چهلم تجدید از غم و حزن می باشد که در شریعت مکروه است.

در حدیث شریف که: (التعزیه مره). تعزیه یک بار است چنان که در نیل الأوطار و در فتاوی التتار خانیه (در مذهب حنفی) آمده که اگر کسی یک بار فاتحه داده باشد بار دوم فاتحه ندهد.

در کتاب (الدر المختار) آمده که فاتحه دادن و گرفتن بعد از سه روز کراهیت دارد زیرا غم را تجدید می کند .
گرفتن روز چهلم و فاتحه زیاده از سه روز یک بدعت بدی می باشد و دین و دنیا را فاسد می سازد و باید مردم از این عادت بد دوری کنند و چیزی که برای میت در زندگانی برزخ فایده دارد دعا و استغفار و تلاوت قرآن و فرستادن ثواب آن می باشد و خواندن نماز و گرفتن روزه و رفتن به حج از طرف میت برای میت ثواب می رسد.

اعمال نیکی که میت از آن فایده می برد:

خوانندگان محترم !

میت و متوفی در چند صورت از اعمال نیک زنده ها بهره مند می شود :

۱- قبل از همه چیز ها ، میت از دعای مسلمان در حق او، به شرط این که، شرایط قبولیت دعا فراهم شود فایده می برد:

پروردگار با عظمت ما در این مورد می فرماید :

«وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (سوره: الحشر: آیت ۱۰)

(آنان که بعداً می آیند و می گویند: پروردگارا ما را و برادران دینی ما را که پیش از ما با ایمان رفته اند، مورد مغفرت قرار بده و در دل های ما هیچ نوع کدورتی نسبت به مؤمنین راه نده، پروردگارا تو رؤوف و مهربانی.)
همچنان در حدیثی آمده است : « دَعْوَةُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ مُسْتَجَابَةٌ عِنْدَ رَأْسِهِ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ كُلَّمَا دَعَا لِأَخِيهِ بِخَيْرٍ قَالَ الْمَلَكُ الْمُوَكَّلُ بِهِ آمِينَ وَلَكَ بِمِثْلٍ » (دعای مسلمان در حق برادر مسلمان خویش و در غیاب او، یقیناً قبول می شود. فرشته ای نزد او حضور دارد، هرگاه در حق برادر مسلمانش دعای خیر می کند، آن فرشته می گوید: آمین (خداوند استجابت کن) و در حق خودت نیز این دعا قبول شود.

۱- اشتراک در مراسم جنازه و بر پا گردن نماز جنازه خود، بهترین دلیل برای این مدعا است. زیرا مفهوم کلی که در نماز جنازه وجود دارد ، همین دعاء و استغفار برای میت است.

۲- قضا آوردن روزه های نذری توسط ولی میت: طوری که در این باره احادیث متعددی وجود دارد که از جمله میتوان به احادیثی ذیل اشاره کرد :

الف :

«عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ مَاتَ وَعَلَيْهِ صِيَامٌ صَامَ عَنْهُ وَلِيهِ» (هر کس در حالی بمیرد که روزه هائی بر ذمه اش باشد، ولی او به جایش روزه بگیرد.)

ب:

ابن عباس (رض) می فرماید : زنی سوار کشتی شد و نذر کرد که اگر خداوند او را نجات دهد، یک ماه روزه بگیرد. خداوند او را نجات داد و روزه نگرفت تا این که فوت کرد. یکی از اقاربش (دختر یا خواهرش) نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و جریان را به حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم گزارش داد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم در جوابش فرمود : « اگر او مقروض می بود ، آیا قرض هایش را می پرداختی؟ گفت بلی. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: قرض و بدهی خداوند شایسته تر است که پرداخت شود. برو و از جانب مادرت روزه بگیر)

ج:

« أَنْ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ اسْتَفْتَى رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ أُمِّي مَاتَتْ وَعَلَيْهَا نَذْرٌ فَقَالَ أَفْضِهِ عَنْهَا. » (سعد بن عبادہ از رسول الله

صلی الله علیه وسلم پرسید: مادرم در حالی فوت کرد که نذری بر ذمه‌اش بود؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: تو نذر او را به جای آور).

این وبه ده ها حدیث دیگر به صراحت بیانگر روزه گرفتن ولی میت به جای او در روزه‌های نذر می‌باشد. و حدیث اول به خاطر مطلق بودن شامل روزه‌های فرض نیز می‌شود. چنان که شافعی و ابن حزم به دلیل عام قرار دادن احادیث فوق، روزه فرض را نیز مشمول همین حکم دانسته‌اند. اما ابو داوود می‌گوید: از امام احمد شنیدم که می‌گفت: به جای میت روزه نگیرید، مگر این که روزه نذری باشد.

و پیروانش حدیث نخست عایشه رضی الله عنها را که مطلق بود، حمل بر روزه نذر کرده‌اند. به دلیل روایتی که از عمره نقل شده که از عایشه در مورد روزه گرفتن به جای مادرش که مرده بود و بر ذمه‌اش روزه‌هایی از رمضان مانده بود، پرسید. عایشه گفت: روزه نگیر بلکه به جای هر روز، نصف صاع گندم صدقه کن. (طحاوی و ابن حزم)

ادامه دارد